تحلیلی بر وضعیت کاری و معیشتی کاریکاتوریست‌های ایران

زوال کارتونیسم!

آفتاب یزد – یوسف خاکیان: ۱- روز گذشته جواد علیزاده کارتونیست و کاریکاتوریست باسابقه کشورمان در گفتگویی بیان کرد: «شاید به بعضی کاریکاتوریست‌ها آن‌طور که باید احترام گذاشته نمی‌شود و قدرشان را نمی‌دانند و خب در نهایت این هنرمندان از این حوزه عقب‌نشینی می‌کنند. اما برخی به دلیل اینکه وابسته به این کار شده‌اند، به قول معروف تا آخرین قطره خونشان این کار را ادامه می‌دهند. اینکه هنرمندانی مثل آقای یکه زارع و امثال ایشان در کشور ما وجود دارند که بسیار کار کرده‌اند اما شناخته شده نیستند، نشان می‌دهد که در جامعه ما بستر لازم برای شکوفایی یک کاریکاتوریست و شناخته شدنش آن‌طور که باید فراهم نیست.»

۲- ایرج یکه‌زارع را می‌شناسید؟ کاریکاتوریست پیشکسوت سرزمینمان که چند روز قبل در سن ۸۰ سالگی به دلیل ابتلا به ویروس کرونا دار فانی را وداع گفت و چهره در نقاب خاک کشید. این هنرمند باسابقه و کاربلد حوزه کارتون و کاریکاتور در سالهای اخیر اصلا شرایط خوبی نداشت و علاوه بر اینکه به بیماری دیابت هم مبتلا شده بود تا حدودی بینایی چشمانش را نیز از دست داده بود و متاسفانه به کووید ۱۹ هم مبتلا شد و نتوانست تاب بیاورد و از دنیا رفت. درگذشت یکه زارع اما برای همیشه در تاریخ کاریکاتور ایران ثبت شد چرا که این هنر مهجور یکی از بهترین افراد خود را از دست داد و حالا دیگر یکه زارعی نیست که بتواند کاریکاتورهای مفهومی و نیش داری را بکشد و آن را در اختیار مخاطبان قرار دهد، اما هنر کاریکاتور همچنان باقی می‌ماند هرچند که دیگر مانند گذشته آن نیرو و جوانی و البته مورد توجه جامعه بودن را در درون خود ندارد. اما اینکه چرا هنر مهم و تاثیرگذار کاریکاتور دیگر در جامعه هنری در میان مطبوعات و رسانه‌ها آن اهمیت گذشته را ندارد و به قولی به حاشیه رانده شده، خودش ماجرایی ست که بیش از آنچه غم انگیز باشد قابل تامل است. قابل تامل از این جهت که چرا ما مردم و مسئولان با اینکه می‌بینیم این هنر در شرایط خوبی قرار ندارد، اما کاری انجام نمی‌دهیم و دست روی دست گذاشته‌ایم و فقط نگاه می‌کنیم، همین.

۳- گذشته‌های دور را به خاطر بیاورید، همان زمانها که مجله‌های تخصصی کاریکاتوری مانند طنز و کاریکاتور، فکاهیون، خورجین، گل آقا و... منتشر می‌شدند و مردم هم از آنها استقبال می‌کردند و خیلی‌ها همین مجله‌ها را آرشیو می‌کردند تا بعدها با دیدن آنها خاطرات خنده دار نوستالژیکشان زنده شود. از آن زمانها سالهای زیادی می‌گذرد، سالهایی که در پس گذر روزهای هر کدام از آنها اتفاقات مختلفی رخ داد، اتفاقات تلخ و شیرینی که منصفانه اگر بنگریم می‌توانستند و برخی هایشان حتی توانستند به سوژه‌های بکری برای کشیدن کاریکاتور توسط کارتونیست‌های قدیمی تبدیل شود و در مجله‌ها و نشریه‌هایی که نامشان پیشتر مطرح شد به چاپ برسند، اما در پس همین سالهایی که گذشت و این کاریکاتورها منتشر می‌شدند، کسی متوجه نشد که آرام آرام بساط کاریکاتور کشیدن و نقاشی‌های کمیک نیش دار و مفهومی را منتشر کردن، دارد برچیده می‌شود، البته قرار نبود که همه چیز در حوزه کاریکاتور و کارتون کشیدن در مطبوعات تعطیل شود اما کم شدن و تعطیل شدن هر کدام از مجله‌های قدیمی کاریکاتور نشانگر این بود که اتفاقات خوبی در حوزه هنر کاریکاتور و کارتون نمی‌افتد.

۴- القصه سالها گذشت و هم هنرمندان حوزه کاریکاتور دیگر به این هنر به عنوان یک ناندانی نگاه نکردند و هم شرایط فعالیت کاریکاتوریست‌ها کم و کم و کمتر شد. دیگر کاریکاتوریست‌ها حتی اگر می‌خواستند فعالیت گسترده‌ای در این حوزه انجام دهند هم نمی‌توانستند، چرا که امکانش فراهم نبود. یکی از دلایلش این بود که مجله‌های تخصصی که در زمینه کاریکاتور فعالیت می‌کردند کم شده بودند و این یعنی اگر کارتونیست‌ها بهترین طرح‌ها را هم می‌کشیدند باید خودشان از آنها استفاده می‌کردند. همه این هنرمندان هم که به اندازه استادی مانند کامبیز درمبخش شناخته شده نبودند که بتوانند کاریکاتورهای خود را به واسطه شهرتی که داشتند به جامعه نشان دهند. حال در نظر بگیرید یک کارتونیست که تصمیم دارد با اتکا به هنر کاریکاتور، خرج و مخارج زندگی خودش را تامین کند با چنین وضعیتی روبرو می‌شود، پر واضح است که او خیلی زود به این نتیجه می‌رسد که باید برای خودش یک کار دیگر دست و پا کند و به قول معروف به وسیله آب باریکه‌ای که از آن شغل نصیبش می‌شود امورات زندگی‌اش را بگذراند، این یعنی او در می‌یابد که هنر (خصوصا از نوع کارتونی اش) برای او نان و آب نمی‌شود. اما فقط این نبود، زمان که گذشت مخاطبانی که به کاریکاتور علاقه داشتند و همانطور که بیان کردیم بعضی هایشان مجلات کاریکاتور را آرشیو می‌کردند رفته رفته دریافتند که دیگر مجله‌ای نمانده که خوراک کاریکاتوری آنها را تامین کند، این موضوع در ابتدا زیاد احساس نمی‌شد اما چند سالی که گذشت خیلی از علاقمندان به این هنر دریافتند که آرشیوشان سالهاست که مجله جدیدی به خود ندیده است. فکر می‌کنید در چنین حالتی چه اتفاقی رخ داد؟ رفته رفته از تعداد علاقمندان به این هنر کاسته می‌شد و آنها دیگر حتی سراغ مجله‌های کاریکاتور را از دکه‌های روزنامه فروشی نمی‌گرفتند چون می‌دانستند مجله یا مجله جدیدی منتشر نشده و یا اگر هم شده کیفیت آثار قدیمی را ندارد. باز انگار باید بگوییم که تازه همه‌اش هم این نبود، مسائل دیگری هم وجود داشتند که دست به دست مسائل اشاره شده داده بودند تا جامعه در حین گذر از دوران سنتی به دوران تقریبا مدرن کم کم هنر کاریکاتور و هنرمندان این حوزه را به فراموشی بسپارد، یکی از این مسائل عدم تحمل مسئولان در رابطه با کاریکاتورهایی بود که عملکرد آنان را مورد خطاب قرار می‌داد و از آنها می‌پرسید: «چرا شرایط باید اینگونه باشد؟» وقتی شخصی (اعم از آدم معمولی یا مسئول یک ارگان یا نهاد) تاب تحمل انتقاد را نداشته باشد و توضیح خواستن بابت عملکردی که داشته را برنتابد خود به خود (بخوانید به خاطر برخی سفارش ها) شرایطی ایجاد می‌شود که زمینه انتقاد کردن و طعنه زدن در جامعه کم شود تا کسی نباشد که بگوید چرا عملکرد فلان مسئولان اینگونه بوده است؟ و از آنجا که عموما کاریکاتوریست‌ها با طرح‌هایی که می‌کشیدند و در مجلات کاریکاتور منتشر می‌کردند، این انتقادها را مطرح می‌نمودند، با تعطیل شدن مجلات تخصصی کاریکاتور، شرایط کار برایشان محدودتر می‌شد. تازه باز هم همه‌اش این نبود، چند خط پیشتر از واژه «تقریبا مدرن (با یک درجه تخفیف بخوانید مدرن)» استفاده کردیم و گفتیم که جامعه از دوران سنتی به دوران جدیدی ورود پیدا کرد، وقتی چنین اتفاقی افتاد مجلات کاغذی و عمدتا رسانه‌های مکتوب در خطر از بین رفتن قرار گرفتند، هرچند که هنوز در قرن بیست و یکم روزنامه‌ها دارند کار می‌کنند و منتشر می‌شوند، اما زنگ خطر تعطیلی شان مدتهاست که زده شده است، حال شما در نظر بگیرید که تکلیف مجلات تخصصی (مثلا همین کاریکاتور) چه خواهد شد؟ وقتی فضای مجازی که محصول ورود بشر به دوران مدرنیته است در کسری از ثانیه همه چیز را برای بشر مهیا می‌کند چرا باید برویم پول بدهیم و مجله تخصصی کاریکاتوری بخریم و آن را آرشیو کنیم؟ تازه اگر تصمیم به انجام چنین کاری داشته باشیم کو مجله اش؟ کو کاریکاتوریستش؟ کو کاریکاتور با کیفیت و مفهومی اش؟ درباره سرنوشت هرکدام از اینها پیشتر توضیح دادیم که چه بر سرشان آمد.

۵- «بنکسی». همین یک کلمه، نظرتان درباره‌اش چیست؟ به نظر می‌رسد که خیلی هایتان می‌دانید منظورمان از «بنکسی» چیست؟ البته بهتر است بگوییم خیلی هایتان می‌دانید که منظورمان از «بنکسی» کیست؟ او همان هنرمند مشهوری است که همیشه خودش را از نظرها پنهان کرده و فقط هنرش را به نمایش می‌گذارد، هنری که به شدت انتقادی ست و به شدت حرف برای گفتن دارد، البته که او یک گرافیت کار است اما می‌توان هنرش را نوعی کاریکاتور و کارتون نیز تلقی کرد. «بنکسی» یک هنرمند جهانی ست که در دنیای مدرن با خلاقیتی که داشته، راه بسیار شگفت انگیزی را برای ارائه آثار هنری‌اش خلق کرده است. او نه با مجلات قدیمی کاریکاتور کار دارد و نه با فضای مجازی و... «بنکسی» هنرش را به صورت خیابانی به مردم و صاحب منصبان ارائه می‌کند و آنها را با چالشی‌ترین پرسش‌ها مواجه می‌کند، محل چاپ آثار او شاید دیوار خرابه‌ای باشد که هیچکس حتی یکبار هم به آن نگاه نکرده، اما وقتی او نقاشی‌اش را روی آن می‌کشد، تمام دوربین‌های دنیا روی آن دیوار زوم می‌شوند.

۶- به پایان این نوشتار رسیدیم، آنچه در چهار بند ابتدای این متن خواندید درباره زوال کارتونیسم در سرزمین ما بود، هنری که این پتانسیل را دارد که مسئولان و حتی مردم عادی را با چالش مواجه کند و این سوال را از آنها بپرسد که چرا اینگونه عمل کردید؟ اما به هر روی همانطور که بیان کردیم امروز هنر کاریکاتور که می‌توان بیان کرد خاستگاه اصلی‌اش در کشور ما رسانه بوده، با مهجوریت و مظلومیت مواجه شده است، هم در حوزه فعالیت هنرمندان کارتونیست و هم در حوزه زندگی شخصی شان، اما دیدید و خواندید که در بند پنج هم از یک استثنا به نام «بنکسی» سخن به میان آوردیم، هنرمندی که شیوه خاص و منحصر به فردی را برای ارائه هنر مفهومی‌اش انتخاب کرده، شیوه‌ای که بسیار جالب است و مخاطبان جهانی برایش دست و پا کرده است. در واقع ما خواستیم با اشاره به ماجرای هنرنمایی جهانی این هنرمند سوئیسی به کاریکاتوریست‌ها و کارتونیست‌های جوان و خلاق سرزمینمان بگوییم که هنوز می‌توان به ادامه حیات هنر «کاریکاتور و کارتون» امیدوار بود، فقط کافیست «بنکسی» وجودتان را از خواب بیدار کنید و به راه خلاقانه‌ای که پیش رویتان می‌گذارد، اعتماد کنید. الان وقت اقدام و عمل است، آستین‌ها را بالا بزنید و شروع کنید.

یادداشت

بازی بی‌برنده

● زهره نبی زاده
کارشناس سینما

نزدیک به یک ماه از پخش سریال ۹ قسمتی «بازی ماهی مرکب (squied game) » می‌گذرد بنا بر گزارش نتفلیکس سرمایه‌گذار و ناشر این محصول فرهنگی، بینندگان این سریال کره‌ای از مرز صد و ده میلیون نفر گذشته است. «بازی ماهی مرکب» به نویسندگی و کارگردانی «هوانگ دنگ هیوک» داستان افرادی است که از فرط فقر و تنگدستی به بن بست رسیده‌اند و با دعوت عده‌ای ناشناس به یک مجموعه بازی شانسی شش گانه که الهام گرفته از بازی کودکان است، وارد می‌شوند تا با برنده شدن در تمامی مراحل آن صاحب جایزه‌ای بزرگ شوند. در این بازی‌ها در هر مرحله بازنده‌ها حذف می‌شوند و در ازای حذف هر نفر، مبلغی به جایزه اضافه می‌شود، بازی تا آنجا پیش می‌رود که تنها یک نفر برنده اصلی داشته باشد. ۴۵۶ نفری که توسط گردانندگان بازی انتخاب شده‌اند بدون هیچگونه شناختی از بازی و مراحل آن تنها به چشم یک بخت آزمایی ساده و بدون هزینه به آن نگاه می‌کنند، اما بعد از اولین مرحله به نام «چراغ قرمز – چراغ سبز»، تعداد زیادی از بازیگران بهای سنگینی برای باخت می‌دهند و طبق قوانین همین بازی با خواست اکثر بازماندگان، بازی متوقف و همه به زندگی جهنمی خود باز می‌گردند. بعد از مدتی از زندگی در آن شرایط غیرقابل تحمل بیشتر آنها این بار برای گذراندن پنج مرحله دیگر آگاهانه و داوطلبانه به بازی برمی گردند. چنین به نظر می‌رسد منظور آقای «هوانگ» از ساخت این سریال هشداری به جامعه در حال توسعه کره جنوبی است؛ چه آنکه در کنار ثروتمند و مرفه شدن جامعه شکاف طبقاتی قابل توجه‌ای در حال رخ دادن است. «بازی ماهی مرکب» پا را یک پله بالاتر از «انگل parasite » فیلم دیگر کره‌ای گذاشته و مرگ و زندگی فقرا و درماندگان را اسباب تفریح و بازی اربابان ثروت و قدرت نشان می‌دهد و شاید بتوان گفت سازندگان سریال پا را از این هم فراتر گذاشته و با پوشاندن چهره سرمایه گذاران با صورتک‌های جواهرنشان اشرافی و حیوان نما و همچنین انتخاب زبان انگلوساکسون از طرفی نقش سرمایه داران و شرکت‌های چند ملیتی را در این بازی گوشزد می‌کنند و از طرف دیگر پوشاندن برگزارکنندگان با نقاب‌ها وعلامت‌هایی ساده و زبان کره‌ای نقش مجریان وطنی را در این بازی به نمایش می‌گذارند.

اما آنچه موجب استقبال و توجه فراوان مخاطبان شده معانی ضمنی بالا نیست؛ بلکه استفاده و کاربرد واقعیات ملموس جامعه در ساختار این مجموعه است و آن چیزی جز زندگی واقعی مردم، گرفتاری ها، آرزوها، رویاها و بازی هایشان نیست. بنابراین «بازی ماهی مرکب» توانسته با به تصویر کشیدن این واقعیات دوباره آنها را به چرخه زندگی دیگر جوامع نیز بازگرداند. هر چه از زمان انتشار این سریال می‌گذرد اثرات اجتماعی آن روشن و آشکارتر می‌شود، چنانچه پیامدهای استفاده از خشونت بدون حد و مرز که برای جذابیت بیشتر در این سریال بکار گرفته شده است، ترس و وحشت جامعه شناسان و والدین کودکان از تاثیرات نامطلوب این قبیل آثار بر فرزندانشان را بیشتر می‌کند. اگر چه موفقیت این دسته از فیلم‌ها و سریال‌ها می‌تواند به رونق این صنعت کمک نماید اما تاثیرات مخرب آن را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

آفتاب — کوتاه از هنر

«چیزی شبیه زندگی» می‌آید

علیرضا مهران بازیگر سریال‌های «زیرهشت»، «مدینه»، «بچه‌های نسبتا بد» و کارگردان تئاترهای «مغازه خودکشی»، «نسیان»، «هامان‌کشان» و ... به زودی در تجربه جدید خود نمایش «نمایش چیزی شبیه زندگی» را برای صحنه نمایش آماده می‌کند. به گزارش صبا، هم اکنون فیلم کوتاه «بچه‌خور» که پربازدیدترین فیلم کوتاه داستانی شبکه خانگی به کارگردانی محمد کارت است با بازی این هنرمند در پلتفرم آنلاین فیلیمو در حال پخش است.

«پنج گان کوتاه» در «هنر و تجربه»

بسته «پنج‌گان کوتاه» از یکم آبان اکران خود را در سینماهای «هنر و تجربه» آغاز می‌کند. این بسته شامل ۵ فیلم کوتاه «داغی» به کارگردانی فاطمه محمدی، «ماهکان» ساخته حسام حسینی و عباس حسین‌زاده، «ذبح» اثر آکو زندکریمی و سامان حسین‌پور، «سفیدپوش» اثر رضا فهیمی و «ناطق» به کارگردانی مهرشاد رنجبر است که پیش از این در فستیوال‌های متعددی حضور داشته و موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند. به گزارش مهر، «پنج‌گان» به معنای برشی از موسیقی است که شامل پنج نغمه است.

جدول شماره ۶۱۳۸

افقی

۱ – مجری برنامه همرفیق – واقعیت را از بین بردن ۲ – به دنیا آمده – برای خارج شدن از مطلب قبل و وارد شدن به مطلب جدید و اصلی به کار می‌رود – آغوش ۳ – امر آوردن – فراگیر – ابواب – سالخورده ۴ – نخ تابیده – جود و بخشش – لاغر و بدقواره ۵ – موی نرم – پسر عرب – بیشه زار نی ۶ – تایوان – جمله‌های قرآنی ۷ – آسیب – تنگی نفس – حرف پیروزی – سیر از او بی‌خبر است ۸ – پسوند کوبنده – دولتشهری مقر پاپ – تلف ۹ – از سازهای ایرانی – امر رفتن – شهر زیارتی عراق – علامت جمع ۱۰ – علت و سبب – حصبه ۱۱ – کیسه چرمی – حرفه – نمونه خروار ۱۲ – ثلاثه مصر – هواکش آشپزخانه – زمان معین ۱۳ – لباسی سنگین – آیینه تمام‌نمای والدین – روشنایی – پر حرفی ۱۴ – تیر پیکاندار – رهگذران – از اسیدها معروف به جوهر مورچه ۱۵ – خارج از محوطه – پیروی نسنجیده

عمودی

۱ – حساب – یاقوت – مقابل فراز ۲ – زدن ۳ گل در مسابقه – جانور کیسه دار درختی بومی استرالیا – پیامبر ۳ – ضمیر غیر حضوری – جستجوی فرنگی – دو سالانه ۴ – فرو بردن غذا – بزرگ و سرور – چیرگی – نیم صدای سگ ۵ – آهنگر – در آتش نمی‌سوزد – پایه‌ها ۶ – لقبی که هندی‌ها به گاندی داده بودند – نوبت به نوبت و پشت سر هم بودن کاری ۷ – تصدیق آلمانی – شناسه حساب بانکی ایران – سبزی نقلی – سند ۸ – پارچه مالیدنی – شهر مقر سازمان ملل متحد – حرف انگلیسی ۹ – واحدی در طول – قاصد – تعجب غلیظ – جنس مذکر ۱۰ – بهترین وضع ممکن – داخل ۱۱ – بلند مرتبه است (خداوند) – کمد – مولف رابینسون کروزوئه ۱۲ – مرز – اذیت – رنگ – تکرار حرف ۱۳ – سنجیدن دو چیز – سنگ سبز قیمتی – ضمیر جمع ۱۴ – دارای رفتار بسیار جدی – مطرود – گردآوری و مرتب‌سازی نوشته‌ها یا فیلم ۱۵ – کنایه از اروپا – پایتخت کشورمان – شاخه باریک و معمولا محکم درخت

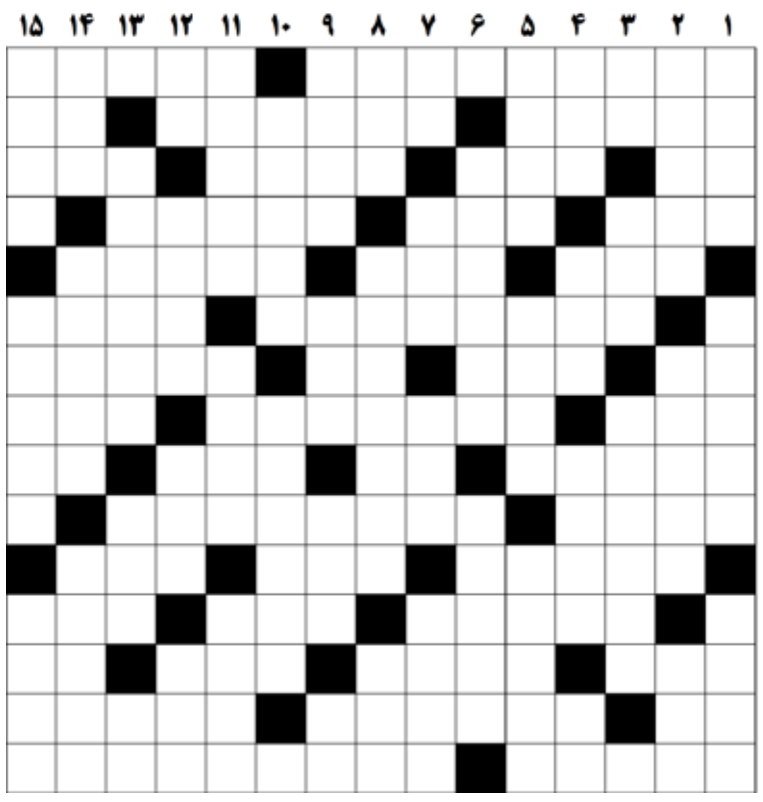

پاسخ جدول شماره ۶۱۳۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ا	ت	■	ک	ک	ک	■	ب	ا	ن	د	و	ن	گ
۲	ا	س	ر	ا	ف	ی	ل	■	و	ت	■	ی	ا	ر	ا
۳	س	ل	■	چ	ش	م	ی	■	ت	و	ح	ش	■	م	و
۴	ت	ا	ق	■	د	ی	ه	■	ی	د	ک	■	س	ی	ب
۵	■	م	ا	س	و	ا	■	ا	ک	■	م	ک	ر	■	ی
۶	ا	■	ی	ز	■	ن	ر	■	■	ف	ر	ا	م	و	ش
۷	م	ص	ن	ف	■	ا	ب	د	ا	ن	ا	ن	■	ر	ا
۸	و	ح	ی	■	ه	ر	ا	س	ی	د	ن	■	س	ی	خ
۹	خ	ن	■	ب	ی	ا	ت	ت	ر	ک	■	ک	ر	د	و
۱۰	ت	ه	ا	ت	ر	ی	■	ا	ج	■	ا	ل	و	■	د
۱۱	ه	■	م	ی	م	■	د	ن	■	ا	ن	ه	د	ا	م
۱۲	ک	و	ر	■	ن	خ	ی	■	ک	ش	ش	■	ن	م	■
۱۳	ر	ی	■	ا	د	س	ا	■	ر	ک	ع	ت	■	ا	ز
۱۴	د	ل	ا	ر	■	ت	ن	■	ن	ا	ا	م	ی	د	ی
۱۵	ن	ا	ق	و	س	ه	ا	■	ش	ر	ب	■	ا	ه	ن

محسن وزیری از ترس کرونا به سینما نمی‌رود

محسن وزیری، تهیه‌کننده فیلم‌های سینمایی «بادام‌های تلخ»، «شاخه گلی برای عروس» و «کلاهی برای باران»، گفت: مردم همچنان از ابتلا به ویروس کرونا ترس دارند و من به شخصه هنوز جرأت سینما رفتن با خانواده را ندارم و فکر می‌کنم در این شرایط نمی‌توان انتظار داشت مردم از فیلم‌های سینمایی اکران شده به خوبی استقبال کنند. وزیری خاطرنشان کرد: فیلم‌های سینمایی که ساخته می‌شوند هزینه بسیار زیادی صرف آن‌ها می‌شود و در شرایط اقتصادی امروز کمتر کسی می‌تواند ریسک کند و با وجود هزینه‌های سنگینی که کرده فیلمش را اکران کند و احتمال بالای شکست را به جان بخرد. هر فیلمی که در این شرایط اکران شود قطعاً سرمایه صاحب اثر نابود می‌شود و نمی‌توان به کمک‌های دولت هم چندان دلخوش بود چرا که دولت تا حدی می‌تواند به فیلم‌ها کمک کند و با این کمک‌ها و فروش اندکی که حاصل می‌شود نمی‌توان به بازگشت سرمایه امیدوار بود. تنها راه انتظار برای واکسیناسیون و پایان شیوع کرونا و آشتی دوباره مردم با سینماست.او افزود: بالا بردن قیمت بلیت در عدم استقبال مردم از فیلم‌های سینمایی تأثیرگذار بوده و به نظر من این اتفاق اصلاً به نفع فیلم‌ها و سینماها نبوده و دولت در این زمینه می‌تواند به سینما کمک کند و سوبسیدی در نظر بگیرد تا قیمت بلیت سینما کاهش پیدا کند و مردم بیشتر به سینما بروند. به گزارش برنا، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «شاخه گلی برای عروس» درباره ساخت فیلم در شرایط حاضر گفت: برای ساخت فیلم «جذاب لعنتی» که در مرحله پیش‌تولید بودیم بسیار هزینه کردم و بعد با توجه به شرایطی که در سینماها حاکم است تصمیم گرفتیم وارد مرحله تولید نشویم و صبر کردیم تا وضعیت بهتر شود. متأسفانه همچنان نمی‌توان با خیال راحت فیلم ساخت و به اکران فکر کرد و تصمیم منطقی این است که فعلاً دست از تولید برداریم.

مجید مولایی و نیاز تلویزیون به تحول جدی

مجید مولایی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون در خصوص لزوم ایجاد تحول در ساختار و رویکردهای رسانه ملی گفت: متأسفانه صدا و سیما دچار افول شده و تنها راه نجاتش توجه به نیازهای روز جامعه و تغییر و تحولات جدی ساختاری و محتوایی است. وی ضمن بیان مطلب فوق ادامه داد: مدیران سازمان صدا وسیما باید بدانند اگر همچنان اصرار به ادامه روش‌های سابق داشته باشند و به صورت سلیقه‌ای در خصوص تولیدات رسانه ملی تصمیم‌گیری کنند به زودی قافیه را خواهند باخت و باید در مواجهه با رقبای شان اعلام تسلیم شدن کنند. تهیه‌کننده سریال تلویزیونی «بانوی عمارت» افزود: ما باید بپذیریم که در حوزه تولیدات نمایشی شرایط مخاطب در کشور ما خیلی تغییر کرده و رقبایی پا به میدان گذاشتند که بودجه قابل قبول و شرایط بهتری دارند. به گزارش ایسکانیوز، وی ادامه داد: تلویزیون نیاز به تحول جدی دارد. دیگر سازوکار سابق و مسیری که پیش از این صدا و سیما در آن پیش می‌رفت و حرکت می‌کرد قابل ادامه دادن و تکرار نیست مگر اینکه شرایط جدید را بپذیرد و تحول ایجاد کند.

جایزه برای «جاده خاکی»

فیلم «جاده خاکی» ساخته پناهی موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره فیلم لندن شد. به گزارش ایسنا، اولین ساخته بلند پناه پناهی در بخش اصلی جشنواره لندن با فیلم‌های سینماگران سرشناسی از جمله «دست خدا» ساخته «پائولو سورنتینو»، «نتیرام» از «جاستین کرزل»، انیمیشن «زیبا» اثر «مامورو هوسودا»، «چیزهای حقیقی» ساخته «هری ووتلیف»، «حفره» از «میکل آنجلو فرامارتینو» و «غروب آفتاب» از «میشل فرانکو» رقابت کرد. به گزارش ایسنا، شصت و پنجمین جشنواره فیلم لندن ۱۴ تا ۲۵ مهر برگزار شد و «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی و «دیوار چهارم» از محبوبه کلاسی نیز در این رویداد سینمایی حضور داشتند.

«قلط دیکطه‌ای» آماده نمایش شد

آفتاب یزد: فیلم کوتاه «قلط دیکطه‌ای» به نویسندگی و کارگردانی علی‌سام صادقی با پرداختن به مسئله بحران روحی کودکان و نوجوانان به پایان رسید و آماده حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی شد. علی‌سام صادقی با اشاره به تاثیر مخرب والدین در هویت‌سازی غلط فرزندان، تاکید کرد:«به خاطر فقر فرهنگی، نه فقط در ایران، که در غالب جوامع جهانی و همچنین آموزش و تعلیم و تربیت نادرست در خانه و جامعه، ما کم‌تر از آگاهی و دانشی برخورداریم که بتوانیم در آینده تاثیر مثبتی بر جامعه بگذاریم. من در فیلم «قلط دیکطه‌ای» به مسائل کودکان و تاثیر رفتارهای مستقیم و غیرمستقیم والدین بر شکل‌گیری هویت آن‌ها پرداخته‌ام.» او با بیان اینکه «ما فکر کردیم چه می‌شود اگر جز حرف‌زدن و ایراد گرفتن یا تکرار یکسری اخبار منفی، بتوانیم کاری برای کودکانی انجام بدهیم که آینده جامعه را تشکیل می‌دهند»، افزود: «حدود شش ماه تحقیق و پژوهش‌هایی درباره مسائل روانی و روحی داشتیم و با پزشکان متعدد گفت‌وگو کردیم. در نهایت متوجه شدیم روان‌شناسان معتقدند تیپ شخصیتی هر فرد و کالبد روحی و روانی‌اش از زمان تولد تا سن ۱۳-۱۴ سالگی شکل می‌گیرد و پس از آن تقریباً فرد دیگر همان آموزه‌ها را تکرار می‌کند.» کارگردان «قلط دیکطه‌ای» یادآور شد: «سعی داشتم فیلم را با تمرکز بر این موضوع و جلب توجه والدین و آدم‌هایی بسازم که می‌خواهند بچه‌دار بشوند و از این طریق، نوری هرچند کوچک بر نقطه‌های تاریکی از روابط و رفتار والدین با فرزندان بتابانم تا شاید جز غرزدن و تکرار اخبار کلیشه‌ای، بتوانیم اقدام موثری را صورت بدهیم.» در خلاصه‌داستان این فیلم آمده: پسر ده‌ساله‌ای به نام پارسا، درگیر یکسری اتفاق ساده و در عین حال پیچیده می‌شود؛ اتفاقاتی که برای کودکان این سن و چه بسا خیلی از ما رقم می‌خورد و تاثیر بسزایی در آینده فرد دارد.

آغاز ضبط «پلاک ۱۳»

سلیم ثنایی تهیه‌کننده «پلاک ۱۳» درباره این سریال که کارگردانی آن را آرش معیریان برعهده دارد، گفت: به تازگی پیش‌تولید را به پایان رسانده‌ایم و وارد مرحله فیلمبرداری شده‌ایم. این سریال یک کمدی فاخر و یک طنز خانوادگی است که در قالب مجموعه‌ای سیت کام برای شبکه سه سیما آماده می‌شود و قرار است تا ماه آینده تیزر سریال روی آنتن شبکه سه نمایش داده شود. «پلاک ۱۳» یک قصه واحد دارد و در هر قسمت اتفاقات مختلف و جالبی رخ می‌دهد که این اتفاقات نیز به یکدیگر متصل هستند. این مجموعه تلویزیونی در یک عمارت در تهران فیلمبرداری را آغاز کرده و درباره پنج خانواده است که در این عمارت در کنار هم زندگی می‌کنند.

اصلاحیه

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت فارآب (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۴۸۴۸۲ چاپ شده در روزنامه آفتاب یزد به شماره ۶۱۳۷ در تاریخ دوشنبه ۲۶ مهر ، مورد ذیل به عنوان بند چهارم به دستور جلسه اضافه می شود و سایر بندهای دستور جلسه به قوت خود باقی است :
– سایر مواردی که اتخاذ تصمیم در خصوص آن در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.
هیات مدیره

مفقودی

پاسپورت (گذرنامه) عراقی به نام امیر کرم علی فرزند کرم متولد ۱۹۷۷/۰۸/۲۷ کشور عراق استان خانقین – دیاله مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

شناسنامه مالکیت تاکسی پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۶ رنگ زرد خورشیدی به شماره پلاک ۶۸ ایران ۲۲۸ ت ۳۲ به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۰۹۳۵۵ وشماره شاسی ۴۰۴۲۹۴۰۴ به نام محمد قلخانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.